

دولت یهود یک قرن بعد

Alan Dowty, *The Jewish State, A Century Later*, Berkeley: University of California Press, 1998, 337 pages.

بیژن اسدی

اسنادیار دانشکده علوم اقتصادی و

سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

گسترده مردم فرانسه علیه فعالیت‌های جاسوسی در یفوس روبه‌رو شد که او را به شدت نگران وضعیت یهودیان جهان کرد. چنین بود که از آن تاریخ به بعد، مباحث و مقاله‌های مستقل مربوط به مسایل یهودیان، غالب نوشته‌های هرترزل را به خود اختصاص داد. با توجه به جریان مذکور، شخص هرترزل به این باور رسید که تنها پاسخ و راه حل مسئله یهودیان جهان، ایجاد یک «دولت یهودی» است.

به منظور چاره‌اندیشی برای مقابله با اقدامات ضد یهود (البته به زعم وی) و حل نهایی مسئله یهودیان در فوریه سال ۱۸۹۶، هرترزل کتابی به زبان آلمانی با عنوان: «دولت یهود، راه حل جدیدی برای مسئله یهود»^۲ چاپ و منتشر کرد. وی در این کتاب، نظریه ویژه خود را درباره حل مسئله یهود بیان کرد. بنا به ادعای وی، یهودیان، قوم و ملتی هستند که تنها راه حل آنان در برابر اقدامات ضد یهود و مسئله یهود، تملک یک موطن متعلق به خودشان و ایجاد یک دولت ملی با اختیارات و استقلال کامل است. وی از جمله، سرزمین فلسطین (در کنار محلهای دیگر) را به عنوان محل ایجاد

«تئودور هرترزل» (۱۹۰۴ - ۱۸۶۰) به عنوان پدر «صهیونیسم سیاسی» و پدیدآورنده اصول عقیدتی آن، فردی است که صهیونیسم را از شکل مذهبی و معنوی اش خارج کرد و به آن شکل و محتوای سیاسی بخشید. وی که دارای درجه دکتری در رشته حقوق بود چند سال به عنوان خبرنگار یک روزنامه اتریشی (نیوفری پرس) در پاریس مأموریت روزنامه نگاری داشت. وی در همان جا با مسایل یهودیان سایر کشورهای جهان، از جمله فرانسه آشنایی بیشتری یافت و با مسئله «دریفوس» و محاکمه او در آن جا مواجه شد.^۱ هرترزل در پاریس با تظاهرات

دولت مورد نظرش پیشنهاد کرد. او همچنین پیشنهاد کرد که به منظور نظارت بر مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین موعود (فلسطین)، یک «سازمان مهاجرت» با همکاری و کمک انگلستان ایجاد شود. ضمناً گفتنی است که برداشت شخصی هرتزل از صهیونیسم، کاملاً غیرمذهبی (سکولار) و مخالف تعالیم دین یهود بود.

به هر حال، پس از گذشت حدود ۵۰ سال از تاریخ انتشار کتاب هرتزل و تشکیل اولین کنگره جهانی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ در شهر «بال» سوئیس و پیش بینی دقیق و حیرت انگیز شخص هرتزل،^۳ بالاخره در ۱۴ مه سال ۱۹۴۸، «دولت یهود» با عنوان رسمی «اسرائیل» با کمک و حمایت همه جانبه انگلستان و آمریکا شکل گرفت. مبنای مباحث کتاب حاضر، همان «دولت یهود» و ویژگیها و ابعاد گوناگون آن را - پس از گذشت بیش از یکصدسال از تشکیل اولین کنگره جهانی صهیونیسم - مورد بحث و بررسی عمیق و همه جانبه ای قرار می دهد. به همین دلیل، عنوان کتاب نیز بر مبنای این روند

تاریخی انتخاب شده است.

نویسنده در ابتدای کتاب، نقل قولی از «احدحام»، رهبر فکری «صهیونیسم فرهنگی» (در برابر صهیونیسم سیاسی) آورده است که در ارتباط با روح «دولت یهود» قابل توجه است. «حام» می گوید:

«پس آن گاه از این مرکز، روح یهودیت از محیط این دایره بزرگ فراتر خواهد رفت، به سوی همه جوامع دیازپورا^۴ و روح و حیات را به درون آنان خواهد دمید و وحدتشان را حفظ خواهد کرد و زمانی که فرهنگ ملی ما در فلسطین به آن حد برسد، ممکن است مطمئن شویم که این امر به پیدایی افرادی در کشور خواهد انجامید که بتوانند در یک فرصت مناسب، دولتی تأسیس کنند که یک «دولت یهود» باشد، نه صرفاً یک دولت یهودیان».^۵

کتاب کلاً به دو بخش و ده فصل تقسیم شده است. بخش اول با عنوان: «شکل گیری و دموکراسی اسرائیل» و بخش دوم، «چالشهای متوجه دموکراسی اسرائیل» می باشد. در فصل اول کتاب، ابعاد و مسایل گوناگون روند دموکراسی در اسرائیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته

است. «داوتی»، اولین فصل کتاب را با این جمله شروع می کند که «آیا یک دولت می تواند هم یهودی و هم دموکراتیک باشد؟» به نظر وی با گذشت بیش از یک قرن از شروع تفکر صهیونیسم (سیاسی)، بحثهای زیادی پیرامون رابطه دموکراسی با یک دولت یهودی ادامه داشته است. چنان که براساس وجود یک برداشت تخصیص آمیز: «از آنجا که اسرائیل، یک دولت یهودی است، چنین کشوری نمی تواند دموکراتیک باشد.» چنین دیدگاهی، اساساً «یهودیت» را با یگانگی نژاد یا مذهب برابر می داند. به اعتقاد «داوتی»، کشوری که بنیان آن بر توجه شدید به نژاد نهاده شده، آشکارا یک کشور نژاد پرست خواهد بود، در حالی که کشوری که بر مبانی مذهبی استوار است، یک کشور عقیدتی به شمار می رود.

برخی نظرات بیطرفانه، هر دو تعریف عملی و مؤکد از نژاد و مذهب را به اسرائیل مربوط می دانند. آنان یهودیان، مسیحیان و مسلمانان ساکن اسرائیل را یک جمع واحد می دانند که تحت یک «حاکمیت مذهبی و قانون مذهبی» یهود در اسرائیل زندگی می کنند. درعین حال، همزمان، این بحث

مطرح می شود که یک «دولت با حاکمیت مردمان یهودی»، عبارت از یک «دولت با حاکمیت افراد سفید پوست» یا به عبارت دیگر، همان افراد انگلوساکسون است که به معنی برتری و تسلط یک گروه خاص بر گروههای دیگر جامعه است. به هر حال، غالب یهودیان غیر صهیونیست، یگانگی یهودیت را با نژاد یا مذهب رد می کنند. به نظر آنان، یهودیان در اسرائیل یا هر جای دیگر، متشکل از گروههای نژادی گوناگون هستند. به علاوه، یک نفر می تواند یک یهودی باشد و یا بنا به تصمیم شخصی اش بدون توجه به مسایل ژنتیک یهودی بشود. در حالی که یک دین واحد وجود دارد، یهودیان غیر مذهبی نیز همچنان یهودی به شمار می آیند. اسرائیل، عملاً نشان داده است که یک دولت «یهودی» می تواند با استفاده از روشهای سکولار اداره شود تا قوانین مذهبی؛ به همین جهت، بیشتر انتقادهای وارد بر اسرائیل از سوی یهودیان متعصب مذهبی مطرح شده است.

نویسنده سپس این پرسش را مطرح می کند که به طور معمول، چه چیزی به عنوان مفهوم «یهودیت» مورد قبول است؟ به

عقیده وی، از دیدگاه غالب یهودیان یا بیشتر ناظران خارجی، مفهوم یهودیت، عبارت از یک هویت ملی یا نژادی به عنوان یک جامعه توسعه یافته تاریخی و مردمانی با فرهنگ، زبان و سایر ویژگیهای قومی است.

به عقیده وی، یهودیان، مردمی در قالب یک ملت و یک نژاد هستند. در حالی که احساس ملت بودن در دیگر جوامع همسان و فراگیر با ویژگیهای لیبرالیستی جدید مانند ایالات متحده و غیره تعدیل شده و به شکل دیگری خودنمایی کرده است. در تاریخ، این گونه روند شخصیت پردازی خاص یهودیان هنوز نیز به قوت خود باقی است و این امر برای غالب یهودیان، در بیشتر مکاتها و در غالب زمانها به یک واقعیت تبدیل شده است.

گفتنی است که تئودور هرتزل (رهبر صهیونیسم سیاسی) که دغدغه خاطر اصلی اش را نه مذهب، بلکه سیاست تشکیل می داد، مسئله صهیونیسم را به گونه ای کاملاً تازه مطرح ساخت که بدین وسیله، انگیزه شدیدی را در میان یهودیان جهان برای مهاجرت و سکونت در فلسطین ایجاد کند. به عقیده وی، یهودیان در سراسر

جهان و در هر کشوری که ساکن هستند، «ملت» واحدی را تشکیل می دهند! ضمناً آنان قابلیت همسان سازی و حل شدن را در درون ملتی که در میان آنها زندگی می کنند، ندارند. (که این خود دلیل بارزی بر القای وجود احساسات ضد یهود در کشورهای جهان نسبت به تمامی یهودیان و نیز تأیید افکار نژاد پرستانه آنان است.) بدین ترتیب، هرتزل با استناد به موارد گفته شده، پیشنهاد می کند که یهودیان جهان از جذب شدن در درون ملتها خودداری کنند. ضمناً به جای ایجاد یک «کانون» صرفاً روحانی (مذهبی) - یعنی مرکزی برای اشاعه ایمان و فرهنگ یهود - تأسیس یک «دولت یهود» که تمامی یهودیان جهان بتوانند در آن جا گرد هم آیند را پیشنهاد می کند.

نویسنده در بحث ارتباط میان دولت یهود و یک کشور دموکراتیک، نتیجه می گیرد که این دولت یهود با جمعیت قابل توجه یهودی و با یک فرهنگ یهودی مسلط بر آن، ضمناً می تواند دموکرات نیز باشد. چرا که به عقیده وی در جهان معاصر کشورهای دیگری نیز با ساختار یک گروه یا

گروه‌های مسلط نژادی وجود دارند که در عین حال، دموکراتیک نیز می‌باشند. به نظر وی، در درجه اول این سؤال مطرح است که آیا آن گروه یا گروه‌های مسلط، روش‌های دموکراتیک را میان خودشان اعمال می‌کنند یا خیر؟ سپس این سؤال مطرح می‌شود که آیا آنان روش‌های دموکراتیک خود را برای دیگر شهروندان (مسلمان و مسیحی) کشور نیز معمول می‌دارند؟ به نظر داوتی، اینها سؤالاتی است که باید در عمل و مشاهده عینی به آن پاسخ داده شود و نه صرفاً براساس پیش فرض‌های ذهنی خود.

براساس نظر و برداشت اخیر

نویسنده، واقعیت این است که علی‌رغم همه جاروجنجال‌ها و تبلیغات سیاسی اسرائیلی‌ها و غربی‌ها در باره دموکراسی ویژه اسرائیل، عملکرد و سیاست‌های عملی آنها در حال حاضر، مبتنی بر سیاست تبعیض معنوی است که نهادها و سازمان‌های حاکم بر اسرائیل از زمان تشکیل تاکنون آن را اعمال کرده‌اند. این سیاست تبعیض آمیز به دو بخش تقسیم می‌شود: (۱) تبعیض شدید میان یهودیان غربی (اشکنازی‌ها) و

یهودیان شرقی (سفاردیم‌ها)، و (۲) تبعیض ضد عرب. در مورد اول باید اشاره کرد که تقریباً همه مراکز و مواضع اساسی و حساس کشور را یهودیان غربی در اختیار دارند و سرپرستی می‌کنند. چنان که از سال ۱۹۴۸ تاکنون (۲۰۰۱) از تعداد هشت رییس جمهور اسرائیل، شش نفر از اشکنازی‌ها و فقط دو نفر از سفاردیم‌ها بوده‌اند.^۶ در مورد دوم نیز باید گفت، علی‌رغم این که فلسطینی‌هایی که دارای شناسنامه اسرائیلی هستند باید به طور قانونی از نظر حقوقی و اجتماعی با یهودیان، مساوی باشند، ولی آنها همچنان مورد تبعیض نژادی و ضد عربی هستند!

نویسنده در فصل پنجم کتاب با عنوان «غربال امنیت»، دیدگاه‌های نظامی - امنیتی اسرائیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله، موقعیت ویژه جغرافیایی اسرائیل و همسایگانش را مطرح می‌کند و این که اطراف اسرائیل را «دیواری از کشورهای عرب متخاصم فرا گرفته است» و خطری دائمی برای آن کشور محسوب می‌شوند. بویژه به چهار کشور مصر، اردن، سوریه و لبنان به عنوان همسایگان اسرائیل

اشاره شده که عمدتاً در جنگهای چهارگانه اعراب و اسرائیل، شرکت داشته و بعضاً یک خطر امنیتی دایمی برای آن کشور به شمار می‌آید. در همین راستا، به میزان جمعیت شش کشور همجوار اسرائیل اشاره شده که «از یک امتیاز جمعیتی بین ۵۰ به ۱ و ۲۰ به ۱ برخوردار هستند». ضمناً کشورهای مصر، سوریه، اردن و عراق، مشترکاً از امتیاز ۸ به ۱ در تعداد نیروهای مسلح آماده به خدمت خود، ۵ به ۱ در تعداد نیروهای ذخیره و بسیج آنان، و ۳ به ۱ در تعداد تانکها و هواپیماهای جنگنده ارتش برخوردار هستند. ضمناً به عقیده نویسنده، اسرائیل با تعدادی از «سازمانهای فعال تروریستی که مورد حمایت‌های منطقه‌ای و منابع مالی می‌باشند»، روبه‌رو است. «داوتی» در فصل هشتم کتاب، رابطه میان مذهب و سیاست را از ابعاد گوناگون مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار می‌دهد. یکی از مسایل و چالشهای موجود جامعه اسرائیل، عبارت از تضاد شدید میان صهیونیستهای سیاسی سکولار و مذهبیها و خاخامهای شدیداً معتقد به اصول پایه‌ای تر است. همین امر، ناهماهنگیها و مشکلات زیادی در عرصه

سیاستهای داخلی و خارجی آن کشور پدید آورده است. از سوی دیگر، به اعتقاد نویسنده، جدا از مسئله حاد اجتماعی، تبعیض موجود میان سفارديم‌ها و اشکنازی‌ها، چالش میان تقاضاهای گوناگون مذهبیها با صهیونیست‌های سکولار، «تبدیل به یک عامل تهدید آمیز مخرب برای اتحاد و همبستگی اسرائیل یهودی شده است». ضمناً نویسنده از دیدگاه یک تحلیلگر دانشگاهی نقل می‌کند که: کیفیت خواسته‌های احزاب مذهبی اسرائیل، بسیار جدیت‌تر از خطر اعراب است، چرا که: «در واقع، گروههای اخیر [اعراب] عمدتاً به دنبال ایجاد مصالحه‌ای برای تأمین خواسته‌هایشان هستند، در حالی که احزاب مذهبی، غالباً به دنبال انجام [حتمی] تقاضاهایشان می‌باشند». چنان که در همین راستا، یکی از فعالین سیاسی اسرائیلی با سابقه طولانی در مخالفت با تقاضاهای مذهبیهای جامعه گفته است که: «در حال حاضر، ما چشم به راه روزآوری و قیامت برای مسایل داخلی کشور هستیم».

بررسیهای نظر سنجی داخلی جامعه اسرائیل نشان می‌دهد که غالب

اسرائیلی‌ها نیز همان احساس یادشده را دارند. چنان‌که در خلال یک نظر سنجی انجام گرفته در مارس ۱۹۸۸ - یعنی مدت کوتاهی پس از شروع انتفاضه اول فلسطینی‌ها علیه اشغالگران اسرائیلی - حدود ۵۵ درصد یهودیان ساکن بیت المقدس، کیفیت روابط مذهبیهای یهودی با یهودیان سکولار را مهمترین مسئله آن شهر می‌دانستند، در حالی که تنها ۲۳ درصد آنها چگونگی روابط بین یهودیان و اعراب را مسئله مهم دیگر ساکنان بیت المقدس می‌دانستند. ضمناً در جریان نظر سنجی دیگر اسرائیل در سطح ملی در سال ۱۹۹۱، مشخص شد که ۷۱ درصد از جمعیت یهودیان کشور اعتقاد دارند که روابط مذهبیها - سکولارها «چندان خوب نیست» یا «هیچ‌گاه خوب نبوده است».

به هر حال، نویسنده در فصل مذکور پس از بیان زمینه‌ها و کلیات در باره چگونگی ارتباط میان مذهب و سیاست در جامعه اسرائیل، ضمناً مباحث مهم دیگری نظیر: تنش میان صهیونیسم و مذهب، ریشه‌های انطباق و سازش بین مذهب و سکولاریسم، اجزای انطباق و سازش، مسئله

قدرت نسبی (اعتباری)، واقعیت روند سکولاریستی (در جامعه اسرائیل) و بالاخره، «دو تهدید» اصلی متوجه روابط مذهبیها - سکولارها را در جامعه اسرائیل فعلی، مورد بررسی و کنکاش قرار داده است.

نویسنده در فصل ماقبل آخر کتاب با عنوان: «مسئله کرانه غربی و نوار غزه»، پس از ذکر زمینه و تاریخچه‌ای از چگونگی پیدایی مسئله مذکور و نقش جنگهای اعراب و اسرائیل در این مورد، این مسئله را از ابعاد گوناگون مورد بررسی و تفحص علمی قرار می‌دهد. از جمله: مسایل حقوقی (مربوط به کرانه غربی و نوار غزه)، اشغال نظامی و حقوق بشر، سرزمینهای اشغالی، مسایل سیاسی، ساختار افکار عمومی اسرائیل (در باره این مسئله)، ضرورت جداسازی (سرزمینی) و بالاخره، روند عدم درگیری و برخورد (طرفین فلسطینی‌ها و یهودیان).

«داوتی» در مبحث مذکور، دیدگاهها و خط مشیهای عملی دو حزب قدرتمند کارگر و لیکود و نیز برخی جریانهای سیاسی و مذهبی جامعه اسرائیل درباره سرزمینهای اشغالی در جنگ ۱۹۶۷^۷ را مورد بررسی

قرار می دهد. ضمناً نویسنده به نقش کلیدی ملک حسین (پادشاه سابق و متوفای اردن) در روند مذاکرات صلح و سازش اعراب و اسرائیل و رسیدن به یک راه حل نسبی در مورد سرزمینهای اشغالی تأکید می کند. وی متذکر می شود که کادر رهبری حزب کارگر اسرائیل از زمان جنگ سال ۱۹۶۷ تا کنون، همچنان بر اصل تقسیم سرزمین، میان یهودیان و اعراب اعتقاد دارند. آنان انجام تغییرات محدودی را در خطوط آتش بس سال ۱۹۴۹ مدنظر داشته اند، چنان که مثلاً شهر بیت المقدس می بایستی مجدداً به صورت یکپارچه، تحت حاکمیت اسرائیل درآید و حداقل، انجام اصلاحات را در نظرات اسرائیل راجع به کرانه غربی رود اردن پیش بینی کرده اند.

به طور کلی باید اشاره کنیم که «آلن داوتی»، (نویسنده کتاب) توانسته است با استفاده از منابع و اسناد و مدارک فراوان و متنوع (با دیدگاههای متفاوت)، ابعاد گوناگون «دولت یهود» یا همان دولت اسرائیل را از زوایای مختلف و از دیدگاهی

علمی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. به اعتقاد داوتی، موفقیت مهم این دولت یهود، توانایی و ظرفیت آن کشور در تقسیم قدرت سیاسی بوده است. وی با توجه به امریادشده، نقاط ضعف و قوت دموکراسی اسرائیل در پاسخ به چالش میان بخشهای گوناگون جامعه، مشاجرات مذهبی، اقلیتهای غیریهودی و نحوه سازش و مصالحه با فلسطینی ها را به تصویر می کشد.

به طور کلی، این کتاب، دورنمایی جامع از غالب مسایل محوری و مهمی که اسرائیل امروزی با آن روبه رو است، به خواننده ارائه می دهد. مهمتر این که، داوتی، مباحث کتاب حاضر را عمدتاً به شکل تحلیلی و نه توصیفی مطرح می کند. بدین ترتیب، خواننده به نحوی عمیق و علمی با بسیاری از مسایل مبتلا به فعلی دولت اسرائیل آشنا می شود.

یادداشتها:

۱- Dreyfus: ماجرای محاکمه یک سروان یهودی ارتش فرانسه به نام «دریفوس» به جرم جاسوسی به نفع ارتش آلمان در سال ۱۸۹۴ و محکومیتش به زندان

2. Der Judenstaat, Versuch Einer Modernen Losung der Judenfrage

۳- هرتزل پس از پایان کنگره در یکی از نوشته‌هایش پیش‌بینی کرد: «در بال، من دولت یهود را بنیان گذاشتم... همه شاید در عرض پنج سال و محققاً پنجاه سال به این امر پی خواهند برد». عجیب است که این پیش‌بینی نیز در موعد مقرر به وقوع پیوست.

۴- منظور پراکندگی یهودیان از سرزمین فلسطین پس از حمله «تیتوس» پسر امپراطور روم به آن جا در سال ۷۰ میلادی و انهدام معبد سلیمان می‌باشد. همه یهودیان خارج از سرزمین فلسطین (اسرائیل فعلی) جوامع دیاسپورا را در جهان تشکیل می‌دهند.

۵- به نقل از نوشته احدحام با عنوان: «دولت یهود و مسئله یهود» (۱۸۹۷)

۶- رییس جمهور فعلی اسرائیل، «موشه کتساف» یک نفر ایرانی تبار (یزدی) است که در سال ۱۹۵۱ در سن شش سالگی به همراه خانواده اش به فلسطین مهاجرت کرد. رییس جمهوری شرقی تبار دیگر، «اسحاق ناوون»، متولد بیت المقدس است. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد افراد مذکور و سایر شخصیت‌های اسرائیل، ر. ک. به: محمد شریده، رهبران اسرائیل، ترجمه و پژوهش بیژن اسدی و مسعود رحیمی، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۸.

۷- شامل نوار غزه، کرانه غربی رود اردن، بخش شرقی بیت المقدس، شبه جزیره سینا، و بلندیهای جولان.